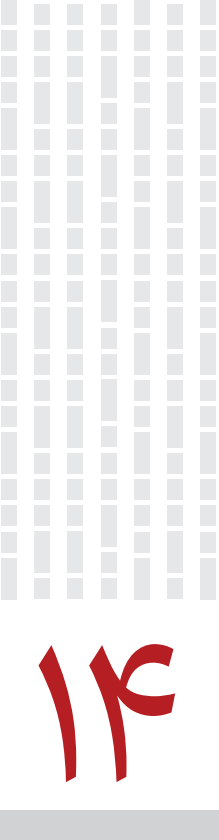
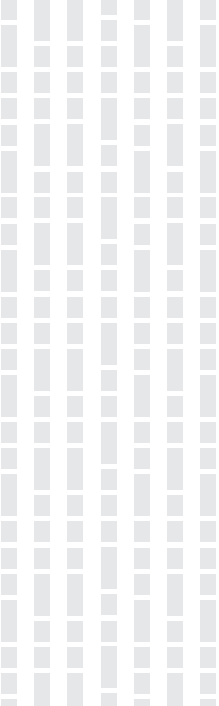


<div><div>📅</div><div>یکشنبه ۱۷ تان ۱۴۰۲</div></div>
<div><div>📄</div><div>شماره ۳۹۹۳</div></div>
<div><div>🌐</div><div>www.fdn.ir</div></div>
<div><div>📡</div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div>



یوسف مرادی، پژوهشگر محیط‌زیست در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مافیای آب می‌خواهد خشکسالی مصنوعی ایجاد کند

سهیلا عباس‌پور
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

«بحران امنیت‌ایده از مسائل محیط‌زیستی نشأت می‌گیرد»؛ شاید این ادعادر ابتدای امر گزاره کم‌فرداری باشد. اما با بررسی مسائل محیط‌زیستی واهمیت آن می‌توان به بحران امنیتی که از پی ایجاداختلال در آن به وجود خواهد آمد، پی برد. انقلاب اسلامی در اولین گام‌های تشکیل حکومت، در قانون اساسی به عنوان الگوی رفتاری خود،مساله محیط‌زیست و عدالت بین‌نسلی رامطرح کرد. اما متأسفانه در مرحله اجراءبا مشکلاتی مواجه شد که منجر به بحران‌های محیط‌زیستی بسیاری شده‌است. امروزه شاهد بحران و خلافتدیریتی در فضای محیط‌زیست و مساله عدالت بین نسلی هستیم. با توجه به فضای موجود، طرح‌ایده حکمرانی در خصوص محیط‌زیست از مهم‌ترین ملزومات این عرصه است. پیرامون تدوین ایده حکمرانی محیط‌زیستی با یوسف مرادی، کنتشگر محیط زیست گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

محیط‌زیست در اسناد بالادستی کشور ما چه جایگاهی داشته و دارد؟

تنها کمیتی که در دنیا به محیط‌زیست نگاه‌انیزاری ندارد، اسلام است. محیط‌زیست در اسلام خودش موضوعیت دارد و مساله است. اما برای سایر مکاتب بشری مثلا برای مارکسیست‌ها محیط‌زیست ابزاری برای بیان حرف‌هایشان است و این دو با هم متفاوت است. مادر ایران اینها از ما هم تفکیک نمی‌کنیم و می‌گوییم همه کنشگر محیط‌زیست هستند. تنها تفکری که واقعا مساله عدالت در محیط‌زیست را دارد اسلام است، مثلاً قینبیسث‌ها مساله‌شان برابری بین زن و مرد است و می‌خواهند آن را از طریق ابزار محیط‌زیست نشان بدهند. مساله آنها عدالت نیست؛ برابری است. در لیبرالیسم این کلمات ابزار و تیرینی برای سرمایه‌داری هستند. مارکسیست‌ها که همیشه طرف دیگر بوده‌اند. قانون اساسی یک کشور تمام چهارچوب‌های اصلی را شکل می‌دهد. سال ۵۷ که قانون اساسی جمهوری اسلامی تدوین شد، چهار اصل اساسی به محیط‌زیست و منابع طبیعی اختصاص پیدا کرد. تنها دو اصل قانون اساسی دهمورد ولایت فقیه بود. ببینید چقدر این موضوع مهم بوده‌است که اصل ولایت فقیه در برابر محیط‌زیست اینقدر مفضل تر در قانون اساسی پرداخته شده‌است. ما اولین کشور در دنیا بودیم که محیط‌زیست و منابع طبیعی را وارد قانون اساسی ۱۵ سال بعد از کشور ما، کشورهایی مثل فنلاند، کویت و… محیط‌زیست را وارد قانون اساسی‌شان کردند. اصل محیط‌زیست در قانون اساسی جمهوری اسلامی فائزی وارد نشده بود. در اصل ۵۰ قانون اساسی صراحتاً گفته شده‌است: «در جمهوری اسلامی که حفاظت نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رویه رشدی داشته باشد وظیفه‌ای عمومی تلقی می‌شود.» تنها اصل قانون اساسی که حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه‌ای عمومی تلقی کرده این اصل است. این اصل بر عدالت بین نسلی تأکید دارد. نگفته‌است تلاش، گفته‌است وظیفه عمومی. انقلاب ۵۷ در واقع یک انقلاب زیست‌محیطی در ایران بود، یعنی هیچ انقلابی و هیچ دگرگونی‌ای در تاریخ بشر رخ نداده که این اندازه بر محیط‌زیست تأکید کند. اسلام‌ونه‌ای نداریم. تنها انقلابی را داشتیم که چهار اصل قانون اساسی را به محیط‌زیست اختصاص داده‌است. این از کجا می‌آید؟ چگونه منابع طبیعی و محیط‌زیست اینقدر برای انقلابیون ۵۷ مهم بوده‌است؟ ما که قانون اساسی کشورمان را از فرانسه گرفته بودیم و خود فرانسه این اصل محیط‌زیست را در قانونش نداشت.

دلیل این توجه به محیط‌زیست و دیده شدن آن در قانون اساسی کشور چه بود؟

این موضوع ریشه در انقلاب سفید سال ۴۱ سال شاه و همچنین کودتای ۲۸ مرداد دارد، یعنی نهضت ملی شدن صنعت نفت؛ این دو موضوع باعث شد انقلابیون ایران نسبت به محیط‌زیست حساس شوند. انقلاب سفید شاه ۱۱ داشت و بعد بیشتر شد و بعدتر چهار تا شد. بند چهار آن که شعار بود جنگل‌ها باید ملی شوند. بند یک آن در خصوص اصلاحات ارضی است. بند هفت آن دومورد ملی شدن آب است. تنها کسی که با این قانون در آن سال مخالفت کرد امام خمینی (ره) بود که اتفاق مهم ۱۵ خرداد ۴۲ و بعد هم تبعید امام را رقم زد. امام به شدت علیه این اصلاحات صحبت کردند، زیرا معتقد بودند که کشاورزی ایران بر اثر آن اصلاحات از بین می‌رفت. اصلاحات ارضی در آن زمان طرفداران زیادی داشت و بعد هم تبعید امام پیش آمد. تقریباً سکوت امام را تا سال ۵۰ موجب شد. از این سال تا ۵۷، امام دالما نتایج اصلاحات سفید و اصول آن را یادآوری کردند از وابسته شدن تا از بین رفتن این اصلاحات سفید و اصول آن که معتقد بودند خواست صهیونیست‌ها بود که آمریکایی‌ها آن را در ایران اجرا کردند. برای اولین بار کشاورزی ایران به کشورهای دیگر وابسته شد که تا امروز در ادامه دارد. امروزه وابسته‌ترین بخش ایران به واردات کشاورزی است. این را رهبری در نوروز ۱۴۰۱ فرمودند. هنوز هم به‌خاطر انقلاب سفید شاه نتوانسته‌ایم سرپا بایستیم. امام همان دوران فرمودند ما گسترده‌ترین مهاجرت از روستا به شهر را طی یک‌دهه داشتیم. بیشترین مهاجرت روستائینشان در ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بود و بعد هم تشدید شد و حاشیه‌نشینی گسترش یافت. حاشیه شهر تهران بزرگ‌تر از متن آن بود.

درحال حاضر بحث قوانین محیط‌زیستی در کشور چگونه است و چه تغییراتی داشته‌؟ قوانین اولیه اصلاح شده‌اند؟ جایگزین آنها بندهایی تدوین شده یا هنوز قوانین سابق موضوعیت دارند؟

از دون انقلاب سفید شاه قوانینی بیرون آمد، مثل قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۲. قانون توزیع عادلانه و ملی شدن آب ۱۳۴۶ که هر دو قانون الان هم حاکم هستند. قانون شکار صید ۱۳۴۷ هم اکنون برقرار است، قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست که سازمان محیط‌زیست با آن اداره می‌شود مصوب ۱۳۵۳ الان هم حاکم است. قانون ادغام وزارت جهاد کشاورزی و سازمان منابع طبیعی مصوب ۱۳۵۶ که آن هم اکنون برقرار است. تمام قوانین حاکم بر محیط‌زیست و منابع طبیعی همه مربوط به انقلاب سفید شاه هستند. امروز نیز طبیعت ایران را با قانون دوران شاه اداره می‌کنیم. انقلاب شد و ۱۵ خرداد علیه انقلاب سفید شاه رخ داد و هنوز اصول انقلاب سفید شاه حاکم است و تنها دو تا قانون بعد از انقلاب به قوانین پهلوی اضافه کردیم- قانون مدیریت پسماند و قانون آلودگی هوا- هیچ قانون دیگری اضافه نکردیم. الان سازمان محیط‌زیست ما با همان قانون دوران پهلوی اداره می‌شود، با قانون دوره اسکندر فیروز و قوانین هیچ تغییری نکرده‌اند. ما با قوانینی کشور را اداره می‌کنیم که قبل از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی تصویب شده بودند. در قانون اساسی ذیل یک اصل آمده‌است: هر نوع قراردادی که باعث تسلط بیگانگان بر منابع طبیعی شود ممنوع است. این اصل قانون اساسی از کودتای ۲۸ مرداد گرفته شده است. دکتر مصدق در نهضت ملی شدن نفت به دنبال همین جلوگیری از تسلط بیگانگان بر نفت بود.

قبل از کودتای ۲۸ مرداد و انقلاب سفید آیا اصل ۴ ترومن در رقم زدن بسیاری از مسائل زیست‌محیطی در ایران موثر نبود؟

کودتای ۲۸ مرداد به دنبال اصل چهار ترومن شکل گرفت که در سال ۱۳۲۷ رزم

آرآ تصویبش کرده بود، نهضت ملی شادن نفت را در دهه ۳۰ به دنبال داشت. کودتای ۲۸ مرداد را همان عقبه اصل ۴ ترومن شکل دادند. مصدق در خاطراتش، «خاطرات و تاملات» نوشته که خطاب به قاضی دادگاه گفته بود درخصوص نقد شدن چک ۳۲۰ هزار دلاری در روز کودتا تحقیق توسط اصل ۴ ترومن در بانک ملی تحقیق کنند. اصل ۴ ترومن سم د. د. د. را به‌کار گرفت تا علیه پشه مالازیا در سراسر جهان گسترده‌ترین سم پاشی را انجام دهد. کتاب بهار خاموش در دهه ۴۰ اشاره کرده است که اثر د. د. د. در طبیعت هیچ‌گاه از بین نمی‌رود و این ماده ممنوع شد، درحالی‌که تا اواخر دهه ۵۰ این سم همچنان در ایران استفاده می‌شد. به دلیل این استفاده از د. د. د. طی چند دهه در ایران، اواخر دهه‌های ۶۰ و ۷۰ ایرانی‌ها دچار سرطان دست‌گاه گوارش شدند. پیش‌تر این بیماری در ایران نبود. این سرطان در کشور گسترش پیدا کرد. الان با حکمرانی ای در محیط‌زیست رویه‌رو هستیم که به شدت معیوب، قدیمی و به هم ریخته و موشوش است که براساس قوانین ضد محیط‌زیست اداره می‌شود.

مستولان الان هر جا بخواهند در بحث محیط‌زیست سمت مردم بزنند به دلیل همین قوانین دچار مشکل می‌شوند، زیرا مشارکت مردمی این حفظ جنگل‌ها به لحاظ قانونی موضوعیت ندارد و همه قانون بر مبنای برخورد و از جنس رضاخانی است. به این دلیل در سازمان منابع طبیعی قدرت دست یگان حفاظت است و نه دست دفتر آموزش مشارکت‌های مردمی. همان قوانین دوره شاه که دست مردم را از جنگل کوتاه می‌کرد، هنوز هم بر آن اساس عمل می‌شود. از پیرمردی در اطراف خراسان روایت کردند که پس از رفتن شاه، مردم هجوم بردند به درختان و آنها را قطع کردند، پرسیدند چرا چنین می‌کنید، گفتند درختان شاه را قطع می‌کنیم! یعنی مردم فکر می‌کردند درختان متعلق به شاه بودند. الان هم مردم فکر می‌کنند درختان متعلق به یگان حفاظت منابع طبیعی است. درخت مال خود شماست مردم! ما نتوانستیم این را به مردم بگوییم. یگان حفاظت منابع طبیعی در واقع یک پلیس امنیت زیستی است و از آینده حفاظت می‌کند. این درختان نشانبد، آب نخواهیم داشت، اکسیژن نخواهد بود، ریگزرد خواهد بود فقط و بیابان را خواهیم داشت. پس اینجا در حوزه محیط‌زیست یک حکمرانی معیوب داریم.

وضعیت عدالت زیست‌محیطی در ایران را چگونه می‌بینید؟ آیا مساله عدالت در توزیع، بهره‌برداری و حفظ محیط‌زیست و منابع آن مدنظر است و اساسا مورد توجه قرار گرفته‌؟ براساس آن برنامه‌ریزی می‌شود؟

عدالت زیستی چه می‌گوید؟ در ایران طبق قوانینی که برشمردم آب دست وزارت نیرو است. طبق قانون اساسی کشور، قضاوت و برقراری عدالت کار دستگاه قضاست و نه دولت؛ دولت مجری عدالت نیست. اما عدالت آبی را دست وزارت نیرو سپرده‌ایم که یک نهاد فنی است و فروش آب را انجام می‌دهد و فیش صادر می‌کند. کسی فیش آب صادر می‌کند که آب تولید نمی‌کند. مافیای آب در کشور برای مشروع کردن این کار، شروع به تولید کلمات کردند؛ عدالت آبی، تنش آب، ورشکستگی آبی و به تازگی هم مرگ سرزمینی که همه ساخته شده مافیای آب هستند. در عدالت آبی می‌گویند آب را باید عادلانه بین انسان‌ها توزیع کرد. آیا آب را می‌شود مساوی بین انسان‌ها تقسیم کرد؟ درحالی‌که صاحب و مالک آن تنها انسان‌ها نیستند و صاحب دیگر آن محیط طبیعت است، یعنی نمی‌شود آب کارون یا کرخه یا جازموریان را برداشت و با آن مثلاً درخت کاشت. این خشم طبیعت را برمی‌انگیزد، ریگزرد‌ها تولید و نابودکننده می‌شوند، چون عدالت زیستی رعایت نشده است و اصل طبیعت نادیده گرفته شد. وقتی درمورد طبیعت صحبت می‌کنیم مساله بین‌نسلی باید دیده شود، یعنی شما درحال حاضر فقط تنها صاحب آب نیستید، آینده هم هست. صاحب این طبیعت آینده است. گاوخونی را که خشک کنی، ریگزرد‌های آن تو را ذیت خواهند کرد. تلویزیون ۳۰ سال است به مردم می‌گوید در مصرف آب صرفه‌جویی کنید. کل بارش سالانه ایران ۴۰۰ میلیارد مترمکعب است که ۲۷۰ میلیارد آن تبخیر می‌شود. ۱۳۰ میلیارد باقی می‌ماند که ۱۰۸ میلیارد آن را جامعه ایران مصرف می‌کنند، یعنی ۶ درصد تقریباً توسط مردم مصرف می‌شود و همه شعارها در رابطه این میزان مصرف است. پس بقیه آن کجاست؟ چرا اینقدر تأکید می‌شود در مصرف آب صرفه‌جویی کنید؟ چون همین مافیای آب می‌خواهد خشکسالی مصنوعی تولید کند. وقتی خشکسالی مصنوعی را راه انداختند، ذهن جامعه را برای پروژه‌های انتقال آب آماده می‌کنند و جامعه دیگر تسلیم می‌شود. اینها نه تنها ضد عدالت هستند، بلکه ضد انسان هستند. ببینید چقدر تولید ادبیات اینها ضد عدالت زیستی قدرتمند است. طبق گفته رئیس سازمان محیط‌زیست، صرف‌نظر از مصارف کشاورزی و صنعتی آب و تبخیر، همان میزان آبی که باقی می‌ماند برای دو میلیارد انسان کافی است. علیه این حرف که ما می‌توانیم به دو میلیارد نفر آب برسانیم چنان حملاتی از سمت بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال شکل گرفت، درحالی‌که عربستان نمی‌تواند به یک نفر هم آب بدهد. چون رودخانه‌ای ندارد. اگر علیه این ادبیات شکل‌گرفته حرف بزیند فردی بی‌سواد، عقب‌مانده و بیچار نشان داده می‌شود. این ورشکستگی آبی که می‌گویند ورشکستگی حکمرانی است، نه آب.

اواخر دولت پیش، شهرکرد در استان چهارمحال وبختیاری که ۱۰ درصد آب ایران را دارد، سه‌هفته آب نداشت. در این استان ۳۵۰ روستا با تانکر آبرسانی می‌شوند، درحالی‌که تمام سرشاخه‌های رودهای خوزستان از چهارمحال می‌گذرد. در کهگیلویه و بویراحمد که دومین استان پربارش ایران است، ۷۵۰ روستا با تانکر آبرسانی می‌شوند. شهر یاسوج در طول سال دومین مرکز استان پربارش بعد از رشت است. اگر بخواهد محاسبه دقیق و قطعی‌ها را فشرده کنید، در طول سال در این شهر سه‌ماه آب قطع است. آب جیره‌بندی می‌شود، یعنی باید این اتفاقات بیفتد تا جامعه به انتقال آب راضی شود. جنبش و جریان ضد عدالت زیستی در ایران قدرتمندترین جریان است. پشت این جریان کیست؟ ۵۲ صنعت در واقع ابرصنعت در کویر مرکزی ایران در حوزه تولید فولاد، پتروشیمی، کاشی و سرامیک، فولاد چادرملو، فولاد مبارکه، ذوب‌آهن اصفهان، پتروشیمی اصفهان و همه صنایع شکل‌گرفته در آن محدوده که غول هستند. کار به جایی رسیده که جمعیت سه استان یزد، کرمان و اصفهان ۹ میلیون نفر است؛ هر ایرانی در طول روز ۱۵۰ لیتر آب مصرف می‌کند اصلاً بگوییم ۲۰۰ لیتر، این جمعیت را ضرب در ۲۰۰ لیتر و بعد ضرب در ۳۶۵ کنیم و تقسیم بر هزار تا میزان مترمکعب مصرف به دست بیایید. ۵۵۰ میلیون مترمکعب در طول مصرف این سه استان است. آب این سه استان و روستاهای آن از محل منابع زیرزمینی است و تا همین لحظه بین چهار تا هشت میلیارد مترمکعب به سمت فلات مرکزی رفته است، یعنی هفت یا هشت برابر میزان مصرف آنها آب به آن سمت رفته و هنوز آب به مردم نرسیده است. ما با این مساله رویه‌رو هستیم. قیمت آب در نروژ ۵ تا ۶ یورو در هر مترمکعب است، در ایران یک شصتم یورو

است. یعنی در نروژ ۳۰۰ هزار تومان قیمت یک مترمکعب آب است. اگر آب دریا را بخواهیم شیرین‌کنیم و به کرمان برسانیم، هر مترمکعب فقط سه دلار هزینه انتقالش است، حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان هزینه شیرین‌سازی آن است و در نهایت هر مترمکعب بین ۱۸۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تومان می‌شود. وقتی آب را از خراسان در سرشاخه کارون می‌برند کرمان، نه شیرین‌سازی می‌خواهد و نه هیچ کاری دیگر و در واقع وزارت نیرو این کار را را یگان کرده است اما آن را به صنعت متزی ۳۰ هزار تومان و بسیار ارزان می‌فروشد و نه ۱۸۰ هزار تومان که مثلا قیمت واقعی است؛ یعنی ما با یک تجارتی رویه‌رو هستیم که نفت به پایش نمی‌رسد. تجارتی به این عظمت! تا به حال در رسانه‌ها، روزنامه‌ها مثلا اصلا جرات داشته‌اند یک مطلب در مورد فولاد مبارکه بزنند؟ یعنی در اصفهانی‌که زاینده‌رود خشک شده و محیط‌زیست اصفهان را نابود کرده، های خبرنگار علیه فولاد مبارکه مطلب نمی‌زند؟ خوب چرا؟! یک روزی همین‌ها از فولاد مبارکه تجلیل کردند.

چرا باید مردم دو استان ما، به خاطر آب حتی از پلاک ماشین‌های همدیگر متنفر باشند؟ درحالی‌که مردم در قضیه آب بی‌گناه هستند و این مشکل ربطی به آنها ندارد. فولاد مبارکه اصفهان سالانه هفت میلیون تن فولاد تولید می‌کند که هر تن آن ۲۰ مترمکعب آب مصرف می‌کند. فولاد مبارکه سالانه ۲۱۰ میلیون کیلومتر مکعب آب مصرف می‌کند. اما همین رسانه‌ها از قول مدیر فولاد می‌گویند ما با ۱۳ میلیارد مترمکعب آب، سالانه ۷ میلیون تن فولاد تولید می‌کنیم! این ۱۳ میلیارد مکعب حاصل پساب‌های شاهین شهر اصفهان است که آنها را خریداری کرده‌ایم و تبدیل‌ش کرده‌ایم. آیا ایشان کیمیاگری کرده‌ است؟ همه رسانه‌ها می‌گویند فولاد و ذوب‌آهن که مصرف نمی‌کنند، همه آب صرف کشاورزی شده‌است! به آن استان می‌گویند همه این مصرف برای کشاورزی‌های غرب اصفهان است و به اصفهان می‌گویند همه مصرف مربوط به کشاورزی‌های در مسیر اصفهان است. زاینده‌رود از کوهرنگ آغاز می‌شود و می‌آید و در فولاد تمام می‌شود و ناگهان زیر زمین می‌رود.

۱۱ استان دامنه زاگرس فصل بهار که می‌شود و هنگام زاد و ولد موجودات حیات وحش، رویش گیاهان را هم شاهد هستند. از بیلهر تا کنگر و چویل همه اینها رشد می‌کنند. بیلهر که برای انسان‌ها خاصیت دارویی دارد، برای بز کوهی غذاست. حیات وحش به این گیاهان وابسته است. جمعیت انسان‌ها طی سال‌های سال چندین برابر شده‌است اما کوه همان کوه است و خلع و گیاهان گیاه است. زمانی که جمعیت کم بود و چیزی برای خوردن نبود، کنگر به عنوان غذا چیده می‌شد. زمان دامنه زاگرس این گیاهان و روپیدی‌ها را می‌چینند. یعنی تنها دولت علیه محیط‌زیست مان کار نمی‌کند، این خود جامعه هم هست که علیه عدالت زیستی کار می‌کند. در کهگیلویه و زاگرس جنوبی که ۱۶ درصد جنگل‌های ایران را دارد، سه گیاه به‌طور کامل منقرض شدند. به عدالت زیستی که توجه نمی‌شود چه اتفاقی می‌افتد؟ گیاه بیلهر که از آن در تشری استفاده می‌شود، وقتی چیده می‌شود حیواناتی که از آن تغذیه می‌کنند نابود می‌شوند؛ پس زمین طبیعی شخم نمی‌خورد و درخت بلوطی رشد نخواهد کرد. بلوط که رشد کندکز زاگرس بیابان می‌شود و با این بیابان‌زایی، ۴۹ درصد آب ایران از بین می‌رود و ریگزرد‌ها فلات مرکزی ایران را فرامی‌گیرد و مهاجرت رقم می‌خورد. با تولید همان تشری بیلهر خود انسان در معرض نابودی قرار می‌گیرد. استفاده از گیاه بیلهر در تشری بنا بر فتوای رهبر معظم انقلاب حرام شرعی است. این را در مناطق بومی به مردم نگفتند. من این را در توییست گفتم و مورد هجمه قرار گرفتم که چرا رهبری را جلوی مردم قرار می‌دهی؟! مرد حسابی این فتواست؛ حرف من که نیست. دارید همه زاگرس را از بین می‌برد.

محیط‌زیست و مسائل مربوط به آن به‌ویژه در نسبت با عدالت چگونه با مسائل اجتماعی و سیاسی کشور گره می‌خورد؟

ببینید غرب از قرن ۱۷ و ۱۸ برای رشد و توسعه خود نیاز به منابع سایر نقاط جهان داشت و استعمار شکل گرفت. استعمار در هند و ایران چه کار داشت. بعد از جنگ جهانی دوم، منابع طبیعی و جنگل‌های رهاجان نابود شد. این آمار سازمان‌های جهانی است که سه هزار میلیارد درخت نابود شد. ما به دلیل عدم مراعات عدالت زیستی، تغییر اقلیم را در جهان شاهدیم. ترکیه را ببینید با سدسازی و خشک کردن فرات و تولید ریگزرد، بسبب شکل‌گیری پروژه‌های ریگزرد‌های سوریه و عراق ایران آرزای می‌دهد. بعضی وقت‌ها یک پروژه چنان اثری دارد که اگر هر روز مردم ایران مثل سیزده بدر بروند و در محیط زیاله رها کنند، اثر تخریبی آن پروژه را نخواهد داشت. ما الان برنامه هفتم توسعه را داریم. باید بدانند بحث محیط‌زیست خیلی جدی است و فائزتی نیست، داریم نابود می‌شویم. در شهر ایده در خوزستان مشکلات امنیتی ایجاد شده است. چرا؟ ایده یک شهر خیلی خاص است. انسان‌های بسیار معتقد و معطرخی دارد. از دو سه دهه پیش که سدسازی بر کارون شروع شد، روستاها زیرآب رفت و مردم محلی مجبور به مهاجرت شدند. ۵۰ درصد جعیت ایده حاشیه‌نشین هستند. اینها کد نشان بودند، برای خودشان کسی بودند و پیشینه‌ای داشتند، رفتند ایده و به کارگری مشغول شدند. هویت خودشان را از دست دادند، بچه‌اش فاسد شد و… نتیجه این شد که الان ایده‌ای داریم که مساله امنیت ملی است. چرا می‌گویند این شهر تبعیدگاه است و این شده نتیجه؟ چرا بقیه شهرها که تبعیدگاه هستند چنین نشده است و فقط ایده به این حال و روز دچار شده‌است؟ چون جمعیت حاشیه‌نشین ایده به دلیل همان سدسازی بیشتر از جمعیت متن شده‌است. اصل آسیب اجتماعی در ایران، دزدی، مواد مخدر، سرقت و… همه بلا استثنا تحت تأثیر چالش‌های محیط‌زیستی هستند، یعنی در روستا نتوانستیم منابع طبیعی را حفظ کنیم، فرد مجبور شد حاشیه‌نشین شهر شود و هزار و یک تبعات به وجود آمد.

همه مراکز مطالعاتی آمریکای می‌گویند از سال ۲۰۰۵ که ترکیه موجب خشک شدن دجله و فرات شد، جامعه شرق سوریه که همیشه طی تاریخ کشاورز بوده‌اند، حاشیه‌نشین حصص و حلب و… شدند. ناگهان داعش از پی این چالش‌های محیط‌زیستی ایجاد شد و دو کشور را نابود کرد. امنیت زیستی ریشه و بنیاد امنیت اجتماعی است. نمی‌توانیم بدون رعایت عدالت زیستی، این امنیت زیستی را ایجاد کنیم. به این دلیل است که این مسائل برای غرب مهم است. اساسا جریان فریگرد در ایران که طی چهار دهه بر دولت و بحث محیط‌زیست تسلط داشته است، حتی یک لایحه به مجلس ن داده تا قوانین قبل از انقلاب را تغییر دهد. همین خانم ابتکار ۱۲ سال رئیس محیط‌زیست بوده‌است. یک لایحه برای تصویب یک قانون به مجلس ارائه نکرد. یعنی نفهمیده‌اند همین قانون شکار و صید که رهبری فرموده‌اند حرام است، هنوز حاکم است؟ هیچ جای جهان نیست که در مناطق خاص حیات وحش مثل پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده شکار ممنوع، شکاربانی مجوز شکار بدهد! در آلمان

مثلا یک مزرعه بزرگی دست می‌کند و گراز وحشی پرورش می‌دهند. آنجا مجوز شکار می‌دهند و کسی در خود قلب حیات وحش مجوز نمی‌دهد. وقتی مجوز شکار بز کوهی را صادر می‌کنید، اکوسیستم را خراب و پرند ه را نابود می‌کنید. ۱۰ سال بعد در همین منطقه یک موجود نسلش منقرض می‌شود. سنجاب ۱۰ هزار سال است که زاگرس را بر فراز شانه‌هایش حفظ کرده‌است، بیشتر از همه دانشمندان در این مرز و بوم موثر بوده است و به حفظ محیط‌زیست کمک کرده‌است. می‌گویند در ارومیه تغییرات اقلیمی منجر به خشک شدن دریاچه ارومیه شد. ستاد احیای دریاچه ارومیه بعد از ۱۰ سال اعلام کرد همه تغییرات اقلیمی ۳۱ درصد در خشکاندن دریاچه موثر بوده و ۶۹ درصد عوامل انسانی دخیل بوده‌است. یعنی از دهه ۷۰ که گفتند آب زیاد است و در دانشگاه ارومیه کنفرانس گذاشتند که دانشمندان بزرگ کشور نظر داده‌اند در این منطقه سیب بکاریم. چاه زدن و انتقال آب ارومیه به سمت باغ‌های سیب شروع شد. ۳۰۰ هزار هکتار در حوضه آبخیز ارومیه زمین کشاورزی بود که هرچه بیشتر افزایش پیدا کرد و به ۶۰۰ هزار هکتار رسید، وضعیت معیشت مردم این حوضه آبخیز بدتر شد. این آمار ارائه شده از سوی خود ستاد احیای دریاچه ارومیه است که مرکز پژوهش‌های مجلس چاپش کرده‌است. این نمودار چرا برعکس است؟ هرچه زمین بیشتر شود وضع مردم باید بهتر شود، اما در این منطقه چرا بدتر شد؟ دو به طبیعت که ظلم شود، برکت از بین می‌رود.

خیلی حرف است که یک دهه وقت کشور را گذاشتید روی برجام و گفتید من زبان دنیا را بلدم. هر روز رفتید وین اما وقت نگذاشتید بروید کابل که هم‌زبان ما هستند و از حق قانونی خود دفاع کنید. کمیسوین دلتا می‌گوید ساختن هر نوع سازه روی هیرمند ممنوع است. ۱۰ سال آنها دارند روی هیرمند سد می‌سازد. فکر کردید مردم سیستان را به حال خودشان رها کردن و رفتن به وین، برای بهتر کردن وضعیت مردم کارساز است؟! ذاتا اتفاقی نمی‌افتد مگر اینکه به مفهومی مثل برکت برسند. ستاد دریاچه ارومیه پاسخی برای چرایی وارونه بودن نمودار نسبت منفی معیشت مردم با افزایش زمین‌های کشاورزی بدهد. آخر آنجا زمین کشاورزی ۶۰۰ هزارهکتار شده‌است.

پیشنهاد و ایده شما برای عرصه حکمرانی زیست‌محیطی و دیدن اصل عدالت چیست؟

۱- تغییر روند حکمرانی از طریق قانونگذاری جدید

۲- تغییر بد در حوزهٔ آب از وزارت نیرو و سپردن آن به سازمانی که در حال حاضر با حفظ جنگل‌ها و آبخیزداری آب تولید می‌کند (سازمان منابع طبیعی). در غیر این صورت مافیای آب، مافیای صنعت و خودرو و… همه با هم در راستای سودشان متحد خواهند شد.

۳- تغییر در آموزه‌های زیست‌محیطی نظام آموزش و پرورش به این معنا که از دوران ابتدایی آموزه‌های زیست‌محیطی وارد آموزش شود که نسل آینده آنها را بفهمد، نه تازه سال یازدهم این آموزه‌ها برای کنکور ارائه شود و هیچ کس هم آنها را جز با هدف کنکور نخواند. این در صداوسیما هم باید اعمال شود، یعنی در حوزه فرهنگی نگاه به محیط‌زیست از حالت فائزتی خارج شود.

۴- به سرانجام رساندن طرح کاشت یک میلیارد درخت. ایران باید خیلی سریع تمام جنگل‌های تخریب شده‌اش را طی ۵۰ سال بازسازی کند. بیابان‌زایی باید متوقف شود.

